

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: احمد پوپل

۲۸ جنوری ۲۰۲۱

ابن دیلاق

ابن دیلاق شاعر ایرانی ست که در سالهای ۱۳۰۵ - ۱۳۱۳ کتابی را به نام «معراج نامه» انتشار داد که بزودی از سوی آخوندها و جامعه اسلام پناه جمع گردید. سروده های زیر از کتاب ابن دیلاق با معنای پاره ای از لغات تقدیم تان می گردد .



سر آغاز

بسم الله علیهم و فرزنان هم منتقم* و عنید* و مگار
نه جفتِ مساعد و نظیری کاری اگرش، به پیش آید
سلطان غیور و، مستبدی ست صد شورش و داد و جیغ و بلوا
گر معدن قهر او بجنبند با آنکه به «شافی» ست مشهور
گاهی ز گرم، نگفته چندان گاهی نهد به طفل عطشان*
تا تشنه به زجر، جان سپارد عدل است؛ به قهر و مکر، درهم
فی الجمله، بدین صفات بسیار نامش بر عبریان «یهوه» است
فرد و، صمد و، رحیم و رحمان
بر جبر نهاده، پایه کار
انباز* و، مشاور و، وزیری
بی شرکت غیر، می نماید
آسوده ز کین، ضدِ وندی* ست
هرگز نرود به خرج بالا
نه قبه آسمان برُنبید*
هر روزه، هزار ها کند کور
بخشد که حساب و حصر* نتوان
یک قطره آب در بیابان
نامش به زیان، دگر نیارد
عفو است، به انتقام توأم
چیزی ست؛ چو شله قلمکار*
این تحفه خدا، خدای موسی است

منتقم – انتقام گیرنده

عنید - ستیزه کننده ناسازگار؛ آن که دیده و دانسته از حق برگردد؛ سرکش

مکار - بسیار مکر کننده- فریبکار

انباز - همکار شریک همتا

وند - مثل مانند

قبه - بارگاهی که بر فراز آن گنبدی باشد، گنبد

برُنبد - فرو ریختن از رُمبیدن عامیانه فرو ریختن - فروریختن سقف

شافی - شفا دهنده درمانگر شفاگر

حصر - شمارش

عطشان - تشنه

زجر - رنج، سختی، آزار، بیقراری، ناله

شُلّه قَلَمکار - نوع آش که گوشت وحبوبات وسبزی وبرنج را مخلوط کنند یا چیز درهم وبرهم